

عدالت در انگلستان

قسمت سوم

طریقه رسیدگی و عمل دادگاهها

«مقدمه»

(۶)

تقسیم امور و مسائل قضائی به حقوقی و جزائی را میتوان شاخص ترین تقسیم بنامی دانست. بکمک این تقسیم بندی میتوان مرجع صلاحیت و طریقه رسیدگی و دعاوی را تشخیص داد. امور حقوقی یا مدنی، از نظر تقسیم بندی در مقابل مسائل و دعاوی جزائی قرار دارند و هر یک از این دو دسته در یک سلسله مخصوص از دادگاهها مورد رسیدگی قرار میگیرند. بنابراین وقتی از مسائل و یا دعاوی حقوقی (مدنی) بحث میشود منظور آن قسمت از حقوق است که خارج از محدوده حقوق جزا فرار دارد، و امور و مسائلی که صرفاً جنبه جزائی دارند، در دادگاههای جزائی و با روش خاصی مورد رسیدگی قرار میگیرند و آن دسته از دعاوی که حقوقی محض اند در دادگاههای حقوقی یا مدنی، و بروش خاص حقوقی حل و فصل میشوند، بعدها نباید از نظر دور داشت که بعضی امور دارای هر دو جنبه میباشند چنانکه راننده اتوبوسی، که در اثر بی احتیاطی یا احمال، به اتومبیل دیگری تصادف نموده، با احمال خود، از یک طرف، مرتکب جرم شده (۱)، و از طرف دیگر، با ایراد خسارت به مسافریین خود و اتومبیل دیگر، سبب ضرر و زیان به آنها گردیده (۲)، و در عین حال با عدم رعایت دقت و مهارت کافی (۳) در حمل مسافریین مرتکب نقض قرارداد (۴) با مسافریین شده است.

۱ - Crime

۲ - Tort

۳ - Not using due care and skill

۴ - Breach of contract

گرچه در این قبیل موارد بیش از یک عمل در خارج واقع نشده و نفس واقعه و عمل (۱) قابل تقسیم نیست لیکن ، از نقطه نظر نتایج حاصله ، مرجع صلاحیت دار و طریقه رسیدگی قضائی هر یک از این نتایج متفاوت می باشد . باین توضیح که اگر منظور از تعقیب و رسیدگی تنبیه و مجازات راننده باشد باید طریقه رسیدگی جزائی را انتخاب نمود ، و هرگاه منظور از طرح دعوا جبران خسارت و آرد به زیان دیدگان است ، در این صورت ، باید از طریقه رسیدگی حقوقی پیدنی استمداد خواست .

تعقیب جزائی جرم برای زیان دیده خالی از فایده مادی است ، ولذا صرفه او در این است که پس از اعلام جرم ، تعقیب جزائی را بعهده پلیس واگذار نماید (۲) و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده (۳) مورد نظر زیان دیده و یا قائم مقام او باشد ، در این صورت لازم است طرق مدنی را (۴) برای اخذ نتیجه انتخاب نماید .

تذکر این نکته در این جا ضروری است که اگرچه بسیاری از اعمال جزائی در عین حال تخلف مدنی (۵) نیز می باشند ، معهذا بعضی از جرائم مانند جنایات علیه سملکت و اساس حکومت ملی (۶) موجب اضرار مادی بشخص خاصی نمی گردند ، و همچنین بسیاری از تخلفات مدنی ، از قبیل عدم انجام تعهد یا تخلف از شرط (۷) اصولا منتهی به ارتکاب جرم نمی گردند . در مواردی که یک عمل در عین حال دارای دو جنبه جزائی و مدنی است معمولا هر دو نوع تعقیب جزائی (۸) و تعقیب مدنی (۹) مطرح میگردند ، النهایه هر یک از این دو نوع دعاوی در دادگاههای مخصوص بخود و بنحوه و طریق خاصی ، مورد رسیدگی واقع می شوند .

۱ - Fact

۲ - در نظام قضائی انگلستان پلیس در اکثر موارد نقش دادستان را بعهده دارد ، مگر در مورد جرائم سیاسی و یا جرائم فوق العاده مهم که در آن ها دادستان کل مجرم را تعقیب میکند .

- ۳ - Compensation
- ۴ - Civil Proceedings
- ۵ - Civil Wrong
- ۶ - Treason and Sediton
- ۷ - Breach of Contract
- ۸ - Prosecution
- ۹ - Civil Action

برخلاف سیستمی که فعلاً در ایران سرسوم است، در نظام انگلستان ادعای ضرر و زیان در محکمه جزائی پذیرفته نیست. هر یک از دادگاههای جزائی و مدنی مستقل و بانوجه به آئین دادرسی و نحوه رسیدگی بدلائل، که مربوط ب خود آنهاست، رسیدگی نموده، حکم صادر میکنند.

با توجه بنوع تعلیم و تربیت و رشد اجتماعی انگلستان و اینکه از سیستم قضائی سالم و مجهز و قضات آزرده برخوردار است، دادگاههای جزائی بسختی حکم محکومیت جزائی کسی را صادر نمیکنند، و بنابراین اخذ حکم محکومیت جزائی کاری بس دشوار است و بالنتیجه در مواردیکه دلائل مدنی کافی موجود باشد صلاحیت زیان دیده اقتضا می کند که بمحاکم حقوقی مراجعه و احقاق حق نماید. غالباً اتفاق افتاده که زاننده ای از اتهام جزائی برائت حاصل کرده ولی دادگاه حقوقی او را بسبب اهمال در راندگی (۱) محکوم به پرداخت خسارت وارده به زیان دیده نموده است. در مورد حمزه بمنظور ایراد ضرب و جرح (۲) شخص مورد حمزه ملزم است که بین تعقیب جزائی یا مدنی یکی را انتخاب نماید. جرد توهمین کتبی (۳) از نوع جرائمی است که طرح هر دو دعوی جزائی و حقوقی درباره آن امکان پذیر است. اینک پس از ذکر این مقدمه کوتاه به بیان طریقه رسیدگی های حقوقی و جزائی می پردازیم.

مبحث اول

صلاحیت و رسیدگی حقوقی (Civil jurisdiction)

در مباحث گذشته انواع دادگاههای انگلستان و صلاحیت آنها را بطور جمال بیان کردیم. در این جا نیز مختصراً اشاره می کنیم که صرف نظر از دادگاههای ماژیستریات، که صلاحیت مدنی آنها بسیار محدود است، دادگاهها کانتی صلاحیت رسیدگی بدعاوی حقوقی را، تا حدود معینی که قبلاً گذشت، دارا هستند و همچنین دادگاههای بزرگ (معادل دادگاههای شهرستان) دارای صلاحیت حقوقی نامحدودی میباشند. دادگاههای استیناف مرجع رسیدگی استینافی

۱ - باید توجه داشت که مفهوم اهمال و یا بی احتیاطی در قانون

انگلستان بکلی غیر از آن است که در حقوق لاتین (فرانسه و ایران) متداول است.

۲ - Assault

۳ - Libel

داد گاههای کانتی و داد گاههای بزرگ بوده و رسیدگی استینافی آراء داد گاههای استیناف در صلاحیت مجلس لردها است.

چنانکه سابقاً گفته شد داد گاههایی هستند که دارای صلاحیت

داد گاههای کانتی حقوقی بوده و بدعاوی که هم مدعی به و هم نوع آنها حائز اهمیت کمتری است، رسیدگی میکنند. گرچه از نظر معنی تحت اللفظی نام آنها داد گاههای ایالتی است، لیکن هیچ گونه ارتباطی بین تنسیقات کشوری و این نوع داد گاهها وجود ندارد، و نباید تصور نمود که هر ایالت دارای یکی از این داد گاههاست.

در تمام انگلستان. داد گاه کانتی وجود دارد که بانواع محدودی از دعاوی کم اهمیت تر، چه از جهت ارزش و چه از نظر نوع دعوی، رسیدگی میکنند، از نظر سهولت دسترسی مراجعین و با توجه به وضع جغرافیائی و اجتماعی و جمعیت، این داد گاهها در فاصله های متناسب، در تمام نقاط کشور پراکنده شده اند. بالغ بر ۸۰ قاضی در تمام داد گاههای کانتی انگلستان به قضاوت اشتغال دارند، و بمنظور تسهیل امور مراجعین، قضات بگروههایی تنسیم گردیده بصورت سیار (۱) هر چند زمانی در شهر دیگری، باسر قضاوت سبادت مینمایند. معهداً در ۱۹ شهر، بسبب تراکم امور، داد گاهها بطور ثابت تشکیل میگرددند.

حقوق قضات داد گاههای کانتی سالیانه بین ۱۰۰ تا ۴۰۰ پوند برابر ۳۶۰۰۰ تا ۱۰۵۰۰۰ ریال و تقریباً برابر ۴۰۰۰۰ ریال تا ۹۰۰۰۰ ریال در ماه می باشد (۲).

۱ - Circuit

(۲) - با توجه باینکه این داد گاهها پائین تر از داد گاههای شهرستان و در ردیف داد گاههای بخش در نظام قضائی ایران قرار دارند. تفاوت فاحشی که بین حقوق قضات داد گاههای بخش در ایران باقضات کانتی انگلستان وجود دارد قابل ملاحظه و تأمل است. بشطرسی آید که اصلاح داد گستری کارشکنی نباشد مشروط برآنکه اولاً این اصلاح منظور نظر قرار گیرد و ثانیاً با تعلیم و تربیت یکتعداد قضائس (اعم از قضات یا وکلاء) که از هم اکنون باطریقه خاصی، پرورده و برای ۱۰ الی ۲۰ سال دیگر آماده کار شوند موافقت بعمل آید و نیز با اعطای استقلال کامل واقعی به قوه قضائیه و حقوق کافی به قضات با تعداد کمتری از شاخه های بعضی قضا نتیجه مثبت تری بدست آید.

در داد گاههای کانتی رسیدگی توسط قاضی و در دعاوی مختصر و بسیار کوچک به دست رئیس دفتر داد گاه (۱) انجام میشود. و باین ترتیب تعداد زیادی از دعاوی حل و فصل میگردد و اگرچه طرفین حق دارند که رسیدگی به دعاوی آنها در حضور ژوری انجام شود لیکن به ندرت از این حق در داد گاههای کانتی استفاده میشود، در مواقعی که تعداد پروندهها از حد و انجام آن خارج از توانائی و وقت داد گاه باشد، قضات موقتی برای تسریع امور آماده به قضاوت میباشند. گرچه بسبب پائین بودن نصاب صلاحیت داد گاههای کانتی دارای مراجعین زیاد بوده و اهمیت خاصی را کسب کرده اند ولی نباید از نظر دور داشت که غالب دعاوی طرح شده در این داد گاهها توسط متقاضیان مسترد (۲) و یا بوسیله داد گاه رد میشوند (۳) و یا داد گاه بدون احضار طرفین (۴) اتخاذ تصمیم مینماید.

در کنار داد گاههای کانتی در حدود ۱۷۳ داد گاه محلی و ناحیه‌ای وجود دارند که دارای صلاحیت رسیدگی به دعاوی حقوقی کم اهمیت تراز نوع دعاوی داد گاههای کانتی بوده اند لیکن بعزت نداشتن مراجعین غالب آنها یا از بین رفته، و یا در حال تعطیل و توقیف میباشند. در شهر لندن داد گاه کانتی بنام داد گاه شهر لندن (۵) وجود دارد که در سال ۱۹۵۸ تعداد ۱۳۳۶ پرونده در آن مطرح گردیده است.

رسیدگی در داد گاههای کانتی نظیر طرز رسیدگی در داد گاههای بزرگ است که شرح آن ذیلا خواهد آمد، باین تفاوت که در داد گاههای کانتی بمنظور سهولت امر از تشریفات کاسته شده است.

داد گاههای بزرگ - چنانکه سابقاً اشاره شد داد گاههای بزرگ، که در تحقیق با سیستم ایران (البته در مرتبه بسیار عالی تر) معادل داد گاههای شهرستان میباشند، دارای سه بخش متمایز بوده که هر یک از این بخش ها به انواع مخصوصی از دعاوی رسیدگی می کنند. همچنین خاطر نشان شد که این سه بخش عبارتند از بخش قراردادها - بخش مربوط به امور حسبی و بخش امور طلاق و وصایا و امور بحری که هر بخش بدسته‌ای از امور مخصوص رسیدگی می کنند. اختصاص

- ۱ - Registrar
- ۲ - Withdrawn
- ۳ - Struck out
- ۴ - Hearing
- ۵ - The City of London Court

هر بخش به انواع مخصوص دعاوی نه از جهت محدودیت صلاحیت آن بخش است بلکه از نظر تقسیم کار و تسهیل اداره امور مورد توجه قرار گرفته است و گرنه تمام بخش‌های دادگاههای بزرگ صلاحیت رسیدگی به تمام انواع دعاوی را در پی می‌باشند، تقسیم کار در بخش‌ها و اختصاص هر بخش به رسیدگی بنوع مخصوصی از دعاوی ضمناً موجب گردیده که قضات هر بخش در نوع دعاوی مرجوعه بدان بخش تخصص و مهارت خاصی کسب نمایند و این مسئله کمک مؤثری به سلامت و عظمت قضاوت انگلستان نموده است (نباید فراموش کرد که در ایران ستاسفانه رویه‌ای برخلاف رویه معقول انگلستان در این خصوص وجود داشته و با اراده وزیر وقت قاضی حقوقی به دادگاه جزائی و قاضی جزائی برمسند قضاوت در دادگاه حقوق نشسته است)

قواعد رسیدگی و آئین دادرسی را دادگاه تعیین می‌نماید و این حق توسط قوانین موضوعه (۱) بنادگاه داده شده است. دادگاههای عالی (۲) که عبارتند از دادگاههای بزرگ و دادگاههای استیناف) حق وضع قانون را توسط کمیته‌ای بنام کمیته وضع قواعد و مقررات (۳) اعمال می‌نمایند و این کمیته از قاضی القضاة (۴) و رئیس کل محاکم دادگاههای بزرگ (شهرستان) (۵) و رئیس کل استیناف (۶) و رئیس کل دادگاههای وصایا و امور بحری (۷) و چهار قاضی دادگاهها عالی باشرکت دو وکیل مدافع (باریستر) و دو نفر از وکلاء مشاور قضائی (سولیسیتر) منتخب از طرف قاضی القضاة تشکیل میگردد. مقررات مصوبه این کمیته باید منتشر و بنظر پارلمان برسد.

قواعد مربوط به رسیدگی دادگاههای کانتی توسط کمیته‌ای مرکب از ۵ قاضی دادگاههای کانتی دو وکیل مدافع (باریستر) و دو نفر از رؤسای دفتر دادگاههای کانتی و دو نفر از وکلای مشاور قضائی (سولیسیتر) وضع می‌گردد. مصوبات این کمیته پس از اظهار نظر قاضی القضاة قابل اجرا می‌باشند. مقررات آئین دادرسی شامل قواعد رسیدگی از ابتدای طرح دعوی تا

۱ - Statute

۲ - Supreme Court

۳ - Rule Committee

۴ - Lord Chancellor

۵ - Lord Chief Justice of England

۶ - The Master of the Rolls

۷ - President of the Probate, Divorce and Admiralty

اجرای حکم می باشد که محاکمه در دادگاه را (۱) میتوان قسمت مهمتر و جالبتر آن دانست و آنچه در این خلاصه بیان میشود قسمتهای حساس رسیده گی است. نکته قابل تذکر در این جا این است که در سیستم رسیدگی انگلستان غالباً دعاوی مطروحه بمرحله حضور در نزد قاضی نمیرسد و بسیاری از دعاوی قبل از اظهار نظر قاضی و قبل از تعیین جلسه محاکمه مختومه میگردد و با این شیوه از تراکم اسور کاسته میشود چنانکه در ۱۹۵۸ از ۴۵۲۴۷ پرونده مطروحه در بخش قراردادها فقط ۲۰۷ مورد آن بد مرحله محاکمه رسیده و بقیه بدون رسیدگی دادگاه حل و فصل گردیده است. در این جا تذکر این نکته لازم است که برخلاف سیستم انگلستان در ایران با وجود مقررات پیچیده و زائد و بسبب عدم اعتماد و احتیاط ناشی از ترس بیجهت و عدم استقلال قضات کار بجائی رسیده که بدون دعوت در محکمه و حضور طرفین برای توضیحات ساختگی جرات و شهامت اتخاذ تصمیم تقریباً نادر است (گذشته از مواردیکه دعوی توسط خواندن مسترد میگردد، در غالب موارد یا خواهان باین نتیجه میرسد که دعوی ارزش هزینه بیشتر را ندارد و یا خواننده حاضر میشود با پرداخت مبلغی سرفعه را با مصالحه پایان دهد. غالباً اتفاق سی افتد که طرح دادخواست بمنظور ایجاد زمینه و الزام طرف به حل مسئله از طریق مسألت آهیز صورت میگیرد و در مواردیکه خواننده دعوی حاضر به پرداخت مبلغی باشد صلاح خواهان در آن است که آن وجه را بپذیرد زیرا در غیر این صورت، هرگاه پس از ختم محاکمه معلوم شود که دادگاه کمتر از مبلغ پیشنهادی خواننده خواهان را ذینفع دانسته است، مخارج محاکمه و حق الوکاله خواننده نیز بعهده خواهان خواهد بود. با توجه باینکه در انگلستان هزینه دادرسی با در نظر گرفتن وضع مالی طرفین و اوضاع و احوال قضیه توسط قضات تعیین می شود غالب خواندگان با استفاده از روش فوق خواهان پرونده را وادار به قبول مبلغی نموده و بدین ترتیب بسیاری از دعاوی پس از طرح وبدون رسیدگی قضائی در دفتر دادگاهها حل و فصل میشوند. این شیوه ایست که برای جلوگیری از تراکم اسور و اصرار طرفین در ایران مفید بنظر میرسد و بر قانون گزاران است که این شیوه را در قانون ایران بکار برند.

طریقه جالب دیگری که موجب سرعت دادرسیها می گردد این است که خواهان ضمن اقامه دعوی صحت ادعای خود را با سوگنده تأیید می نماید و مدعی

میشود که با اعتقاد او خواننده دلیل یا مدرک و دفاع قضائی و قانونی در مقابل ادعای او ندارد؛ در این صورت متداعین در یک جلسه غیرقضائی احضار و هرگاه خواننده موفق به اقامه دلائلی علیه خواهان بشود باو اجازه داده میشود که طبق مقررات پس از تبادل لوابح از حق خود دفاع کند و الاحکم بنفع خواهان صادر می گردد. نتیجه این رویه آن است که غالباً خوانندگان بعلمت نداشتن دلیل و یا فقد دفاع تسلیم دعوی میشوند و از تضییع وقت دادگاههای جلوگیری بعمل می آید.

قبل از آنکه به طریقه رسیدگی حقوقی بپردازیم ناچاریم دو طریقه اصلی و معمولی دادرسی را در قوانین متقدم و مترقی بطور خلاصه بیان کنیم - این دو روش عبارتند از روش اتهامی (۱) و روش تفتیشی (۲) -

روش تفتیشی
و روش اتهام

در قرن ۱۲ و ۱۳ روش دادرسی کاسن لو روش اتهامی بوده که در آن طرفین دعوی بطور مساوی و در عرض هم در دادگاه حاضر شده وظیفه یکی بیان شکایت و وظیفه طرف او انکار ادعای اولی بوده است - در یک چنین سیستمی رسیدگی بصورت گذراندن آزمایش های دشوار (۳) از قبیل گذشتن از آتش انجام میگرفته و قضاوت و عدالت قضاوت خدائی بود نه قضاوت دادگاه و بنابراین ریاست دادگاه حق دخالت را برای کشف حقایق اسور نداشته است. این روش موجب گردید که رویه دیگری معمول شود که در آن دادگاه شخص سورد اعتمادی را برای کشف حقایق اسور مأسور نماید. این شخص می توانست از هر شخص مظنون و نیز از متهم تحقیقات لازم را بعمل آورد. نام این سیستم را تفتیشی گذارده اند.

این روش در قرن ۱۳ اهمیت فراوان در اروپا کسب نمود لیکن انگلستان هنوز از روش اتهامی پیروی می نمود زیرا اولاً در این سرزمین تمایل چندانی به تغییر وضع موجود احساس نمیشد و ثانیاً با پیدایش سیستم ژوری که جانشین سیستم آزمایشی و اتهامی قدیم شده بود، قضاوت خدائی جای خود را به تصمیم و نظر ژوریها میداد و لذا از دست دادن

۱ - Accusatorial System

۲ - Inquisitorial System

۳ - Ordeal

سیستم اتهامی و قبول روش تفتیشی ضروری بنظر نرسید. نتیجه قبول روش تفتیشی (انکیزیسیون) در اروپا آن شد که اروپائیان به تفتیش قضایا عادت کردند و این روش را بمنظورهای خصوصی و سیاسی و مذهبی بکار بردند و بخصوص با استفاده از این روش در قرون وسطی مرتکب جنایاتی خلاف اصول انسانیت گردیدند.

چنانکه گفته شد با پیدایش دادگاههای چانسری در انگلستان، لرد چانسلر اجازه داشت که شخصاً به قضایا رسیدگی نموده و چون مقررات خشک کامن لوسانعی در راه احقاق حق بود قاضی القضاات بدون توجه به مقررات قانونی و برای کشف حقیقت و واقعیت امر بهرگونه عملی اقدام می نمود، از جمله آنکه دادگاههای چانسری می توانستند هر یک از طرفین را ملزم به ارائه اسناد و مدارکی کنند (۱) که در کامن لوی ملزم به ارائه آنها نبودند. بنابراین در دادگاههای چانسری که وجدان را سلاک تشخیص و رسیدگی می دانستند روش تفتیشی معمول گردید. نهایتاً چون دادگاههای چانسری فقط به امور مدنی (حقوقی) رسیدگی میکردند روش تفتیشی منحصراً در این گونه امور حقوقی رخنه نمود و در امر جزائی همان روش اتهامی سابق پا برجا ماند.

با اتخاذ روش تفتیشی در امور حقوقی تمام دادگاههای حقوقی فعلی انگلستان می توانند هر یک از طرفین را ملزم سازند که بسؤالها پاسخ داده یا آنها را مجبور کنند که تمام مدارک و دلائل موجود را ارائه کنند نه فقط دلائل و مدارکی که مفید بحال آنهاست. و چون حقوق جزائی انگلستان تحت تأثیر سیستم چانسری قرار نگرفت بالنتیجه این روش الزام به پاسخ و یا ارائه اسناد در آن راه نیافت بنابراین می توان گفت که روش رسیدگی حقوقی در انگلستان از نوع و طریقه تفتیشی و طریقه دادرسی جزائی همان طریقه اتهامی است (در ایران قاضی حقوقی حق رسیدگی به واقعیت امر و الزام طرفین به ارائه دلائلی بر خلاف تمایل آنها را ندارد و در حقیقت قضاوت خود را بر ظاهر اسناد و دلائل ارائه شده توسط طرفین قرار میدهد و حتی قانون کوچکترین توجه و کنجکاوی قاضی حقوقی را برای کشف حقیقت تحصیل دلیل برای اصحاب دعوی تلمی نموده و آن را گناه بزرگی بشمار می آورد و برعکس در طریقه جزائی میتوان گفت که قانونگذار ایران تا اندازه روش تفتیشی را اتخاذ نموده و با آنکه در یک سیستم متمدن قضائی هیچکس گناهکار نیست مگر جرم او ثابت شود

و باید جان و مال و ناموس مردم در اسان باشد و اثبات جرم با دادستان و یا مدعی خصوصی بوده و متهم وظیفه‌ای در اثبات بی گناهی خود ندارد مع‌هذا رویه دستگامهای ایران برخلاف این انتظار بوده و بدستگامهای تعقیب اختیارات زیادی چه در قانون و چه در عمل داده شده که برای کشف جرم از آن‌ها استفاده می‌کنند)

طریقه رسیدگی حقوقی در انگلستان امروزی بر این پایه است که حقیقت امر را آشکار سازد. مع‌هذا رسیدن به حقیقت امر در هر قضیه بستگی زیاد به انتخاب دلائل و نحوه ارائه آنها توسط وکلاء طرفین دارد.

در مورد رسیدگی جزائی قاعده اصلی آن است که ارتکاب جرم معین را به متهم نسبت می‌دهند و در صورتیکه ارتکاب آن جرم توسط متهم به اثبات نرسد متهم باید تبرئه شود.

برای آنکه در این مختصر دورنمایی از روش‌های دوگانه فوق در اختیار باشد ذیلاً کلیاتی را در مورد رسیدگی حقوقی و جزائی بیان می‌کنیم.